

## نحوه رمز گشایی خط میخی فارسی باستان

نمایشگاه کتاب امسال تو یکی از غرفه ها بصورت کاملا اتفاقی به انتشارات مهرنامگ برخورددم که تو لیست کتابهاشون یک کتاب توجهم رو به خودش جلب کرد ، کتابی باعنوان :

راهنمای زبان فارسی باستان ( دستور زبان ، گزیده متون ، واژه نامه ) نوشته : دکتر چنگیز مولایی

کتاب رو که باز کردم بنظرم بسیار جالب اومد و سریعا اون رو خریدم امروز می خوام این کتاب رو معرفی کنم و یک مطلب از مطالب این کتاب رو براتون بنویسم .

این کتاب دارای یک مقدمه و سه بخش به شرح زیر است :

در مقدمه کتاب ، به تفصیل ، درباره زبان فارسی باستان و مسائل مربوط به خط و نظام کتابتی آن بحث شده است .

در بخش اول ، دستور زبان فارسی باستان مطابق اصول و روشمتعارف زبان شناسی تاریخی – تطبیقی تالیف شده و ساخت های مختلف دستوری در هر مورد با ساخت های همسان و مشابه خود در زبان های اوستایی و سنسکریت ، با امعان نظر ، به صورت اصلی آن در هندواروپایی ، مقایسه شده است .

در بخش دوم ، گزیده ای از متون فارسی باستان مشتمل بر متن کامل پنج کتیبه آمده ، در گزینش این متن ها بیشتر ، نیاز دانشجویان کارشناسی ارشد رشته فرهنگ و زبان های باستانی و به تبع آن گنجاندن سرفصل درس مقدماتی « زبان فارسی باستان » مورد نظر بود . در حرف نویسی و آوا نویسی از روش رولاند کنت به لحاظ سادگی در امر آموزش فارسی باستان پیروی شده است .

در بخش سوم ، واژه نامه جامع فارسی باستان اختصاص یافته ، در این بخش ، ذیل هر مدخل ، پس از ذکر معانی لغات و مشخصات دستوری لازم ، درباره ریشه و وجه اشتقاق واژه ها ، با مراجعه به تعابیر و آرای دانشمندان بحث شده و گونه بازساخته آنها در هندواروپایی ، معادلشان در زبان های اوستایی و سنسکریت و بازمانده آنها در زبان های ایرانی میانه و فارسی دری آمده است . . .

در خاتمه کتاب ، فهرستی از لغات فارسی دری به ترتیب الفبایی تنظیم یافته و در مقابل هر لغت ، شماره صفحه یا صفحه هایی که واژه در آن مورد بحث شده قرار گرفته است .

در اینجا لازم است سخن نویسنده کتاب را از قسمت پیش گفتار کتاب مستقیما نقل کنم ، چراکه سخن ایشان سخن بنده نیز بوده و مطمئنا سخن شما نیز هست :

" در پایان بر خود فرض می دانم از سرکار خانم سپیده نوروزی ، مدیر محترم انتشارات مهرنامگ ، به سبب یآوری های بی دریغ و تلاش بی وقفه ، در چاپ و نشر این کتاب سپاسگذاری کنم . هم ایشان بودند که مرا واداشتند تا یادداشت های پراکنده خود را سامان بخشیم ، و در قالب کتاب حاضر ، به پیشگاه ارباب فضل و ادب و دوستداران فرهنگ و زبان های باستانی ایران تقدیم کنم . توفیق ایزدی همواره دلیل راهشان باد . "

نحوه رمز گشایی خط میخی فارسی باستان

خط میخی فارسی باستان پس از انقراض دولت هخامنشی از رواج افتاد و خواندن آن فراموش شد ؛ تا اینکه ، اخبار و گزارش هایی که جهانگردان و سیاحان اروپایی از اوایل قرن هفدهم میلادی به این سوی ، به هنگام سیر و سیاحت در شرق و بازدید از ویرانه های تخت جمشید ، فراهم کرده بودند ، توجه دانشمندان اروپایی را به آن جلب نمود . در قرن هجدهم میلادی ، چندین کتیبه به خط میخی فارسی باستان در اروپا منتشر شد ، از آن جمله است رونوشت کامل یکی از کتیبه های داریوش در تخت جمشید ( DPC ) که ، شاردن Chardin جهانگرد معروف فرانسوی ، در سال ۱۷۱۱ ، آن را منتشر کرد ؛ همچنین کتیبه ای از خشایارشا بر روی گلدانی از سنگ مرمر که کنت کایلوس Count Caylus ، در سال ۱۷۶۲ ، گزارشی درباره آن به محافل علمی آن روزگار ارائه نمود .

در سال ۱۷۶۵ ، کارستن نیبور Carsten Niebuhr رونوشت های دقیقتری از کتیبه سه زبانی تخت جمشید تهیه کرد و پس از بازگشت از شیراز ، در سال ۱۷۷۸ ، به انتشار آن پرداخت . نیبور از بررسی این اسناد به خوبی دریافت که ، کتیبه ها از چپ به راست و به سه گونه نظام خطی کاملاً متفاوت از هم نوشته شده اند . چند صباحی بعد ؛ در سال ۱۷۹۸ م ؛ اولاف گرهارد تیخسن Olav Gerhard Tychsen پی برد که این سه نظام خطی متفاوت در کتیبه ها ، در حقیقت ، مبین سه زبان مختلف هستند و نشانه میخ مانند موربی که در ساده ترین نوع این سه شیوه کتابت به طور منظم پس از چند علامت تکرار می شود ، ظاهراً نشانه مقسم کلمات بوده است . اما او ، به اشتباه ، این کتیبه ها را متعلق به دوره اشکانیان دانست . در سال ۱۸۰۲ م ؛ فردریش مونتر Friedrich Munter مستقل از تیخسن ، علامت واژه جداکن را در این کتیبه ها تشخیص داد و تصور کرد که ، گروهی از نشانه هایی که در این سنگ نبشته ها بیشتر از نشانه های دیگر تکرار می شود ، احتمالاً بر مفهوم « شاه » و « شاه شاهان » دلالت می کند . او از روی برخی از قراین احتمال داد که کتیبه ها متعلق به دوره هخامنشی هستند . علیرغم مساعی مستمر این دانشمندان و چند تن دیگر ، هنوز پیشرفت واقعی در گشودن رموز خط

میخی فارسی باستان حاصل نشده بود ، تا اینکه گئورگ فردریش گروتفند Georg Friedrich Grotefend آلمانی ، در سال ۱۸۰۲ ، به این کار همت گماشت .

گروتفند کار خود را با تطبیق و مقابله دو کتیبه از تخت جمشید ( کتیبه های DPA و XPE ) شروع کرد و دیری نگذشت که به موفقیتی چشمگیر دست یافت . او نیز ، تصور کرد که کتیبه ها به سه شیوه خطی متفاوت نوشته شده اند ، میخ مورب در آنها علامت یا نشانه واژه جداکن است ؛ کتیبه ها به پادشاهان هخامنشی تعلق دارند و اساسا حاوی اسامی و القاب این پادشاهان اند ، و زبان ساده ترین نوع این نبشته ها – که در اصل به فارسی باستان بود – شبیه و همانند زبان اوستایی است . او همچنین ، احتمال داد که القاب و عناوین پادشاهان هخامنشی مشابه القاب پادشاهان ساسانی است و القاب پادشاهان اخیر در « زمان ، توسط سیلوستر دوساسی Silvestre de sacy به این صورت معلوم شده بود : « X شاه بزرگ ، شاه شاهان ، شاه ایران و انیران ، پسر Y شاه بزرگ »

پیش از ذکر جزئیات مربوط به نحوه کار گروتفند ، برای سهولت مقایسه ، آوانوشت دو کتیبه ای که اساس کار او در رمز گشایی خط میخی فارسی باستان بود ، در ذیل ارائه می شود :

کتیبه خشایارشا

کتیبه داریوش

گروتفند به روشنی دریافت که در این دو کتیبه گروهی از نمادها عینا تکرار می شود و گروهی دیگر با هم تفاوت دارد . بنابراین ؛ نتیجه گرفت که کتیبه ها متعلق به دو پادشاه هستند ؛ گروهی از نشانه هایی کهعینا یا با جزئی اختلاف تکرار می شود ، معرف کلمه « شاه » است و گروهی که با هم تفاوت دارد ، بر اسامی این دو شاه دلالت می کند . بر پایه این استدلال و نیز ، بر اساس الگوی یاد شده کتیبه های ساسانی ، او از این دو نبشته ، کتیبه دوم ، یعنی کتیبه خشایارشا را ، موقتا ، به صورت زیر ترجمه کرد :

« X شاه بزرگ ، شاه شاهان ، Y شاه را پسر ، هخامنشی »

ترجمه « Y شاه را پسر » بر اساس این تصور بود که واژه Y در سنگ نوشته اول ، نخستین کلمه ای بود که کتیبه با آن شروع می شد و به نظر می رسید نام پادشاهی باشد که کتیبه به نام او نوشته شده است ، اما همین نام در کتیبه دوم در جایگاهی پس از عنوان « شاه شاهان » با یک لاحقه اضافی به کار رفته بود . به همین دلیل ، او تصور کرد که این واژه از طریق همین لاحقه اضافی با واژه بعدی ، که مفهوم « پسر » داشت ، ارتباط یافته است . علاوه بر این ، گروتفند متوجه شد

نامی که کتیبه اول با آن آغاز می شود ، در کتیبه دوم در جایگاه نام پدر « X شاه » قرار گرفته است . از سوی دیگر ، در کتیبه دوم پس از نام پدر کلمه شاه به کار رفته ، در حالی که در کتیبه اول پس از نام پدر ، این کلمه استعمال نشده بود . از این امر او نتیجه گرفت که ، این دو کتیبه متعلق به پدر و پسری است که هر دو شاه بودند ، اما پدر بزرگ پسر ، شاه نبود . بنابراین ، او در فهرست شاهان هخامنشی که از روی منابع یونانی به دست آمده بود ، به دنبال نام پدر و پسری گشت که دارای مشخصات فوق باشند . در میان پادشاهان هخامنشی ، نام کوروش و کمبوجیه از یک سو ، و نام داریوش و خشایارشا از دیگر سو ، می توانست مشمول این احتمال باشد . از این اسامی ، گروتفند نام کوروش و کمبوجیه را کنار گذاشت ؛ چون تصور می کرد این دو نام باید با حروف یکسانی شروع شوند ، در حالی که اسامی مذکور در کتیبه ها با دو حرف مختلف شروع شده وند . البته ، در اینجا یک تصادف محض به یاری او شتافت ؛ چون نام کوروش و کمبوجیه در خط فارسی باستان بنا به پاره ای از دلایل کتابتی با دو حرف مختلف شروع می شوند . به هر حال ، مجموع این دلایل گروتفند را به این عقیده رهنمون گشت که نویسنده کتیبه دوم باید خشایارشا باشد و نویسنده کتیبه اول پدرش ، داریوش ، که پدر او گشتاسب ( ویشتاسپ ) عنوان شاه نداشت . مرحله بعدی ، تعیین ارزش آوایی این علایم به عبارت دیگر تلفظ پارسی باستان این اسامی بود . در این مورد ، گروتفند به صورت این اسامی در متون متاخر ایرانی توجه کرد و ارزش آوایی کلمات مورد بحث را به صورت زیر مشخص نمود :

گونه صحیح اسامی در کتیبه ها

تلفظ پیش نهادی گروتفند

V - i - s - T - a - S - p

g-o-sch-t-a-s-p

D - A - R - Y - V - U - s

d-a-r-h-e-u-sch

X - s - Y - A - R - S - A

Kh-sch-h-a-r-sch-a

بدین ترتیب ، گروتفند توانست ارزش آوایی ۱۵ نشانه از حروف خط میخی فارسی باستان را معین کند . البته ، بعدها ، معلوم شد که از این ۱۵ حرف ، فقط ارزش آوایی ۱۰ حرف صحیح بوده است . علاوه بر سه نام یاد شده ، لغات « بزرگ » و « شاه

« تنها کلماتی بودند که گرفتند به درستی آنها را تشخیص داد و بعدها ، در سال ۱۸۱۵ ، نام کوروش را در کتیبه مرغاب CMA شناسایی کرد .

پس از تلاش های گروتفند ، به دنبال یک وقفه نسبتا طولانی ، در امر رمز گشایی ، خط میخی فارسی باستان ، دانشمندان دگرباره ، به این کار اهتمام ورزیدند . در سال ۱۸۲۶ م ؛ راسموس راسک R. Rask دانمارکی در عبارت « شاه شاهان » لاحقه اضافی جمع را شناسایی کرد . در سال ۱۸۳۶ م ؛ اوژن بورنوف O. Burnouf اوستا شناس فرانسوی توانست ارزش آوایی تعداد زیادی از حروف فارسی باستان را در یکی از کتیبه ها مشخص کند . او در سال ۱۸۳۹ ، پی برد که تعدادی از صامت های متصل به مصوت a را شناسایی کرد . او در سال ۱۸۳۹ ، پی برد که تعدادی از صامت ها فقط پیش از مصوت i و تعدادی دیگر پیش از مصوت u به کار می روند ؛

در سال ۱۸۴۶ ، راولینسون H. Rawlinson و هینکس Hinks ؛ در سال ۱۸۴۷ ، اوپرت Oppert هر یک مستقل از دیگری دریافتند که این صامتها هر کدام یک مصوت i یا u به همراه دارند .

اوپرت همچنین ، ساخت آواگروه های ai و au را در کتیبه های فارسی باستان روشن کرد و ، یادآوری نمود که صامت های غنه m و n در خط فارسی باستان پیش از واج های انسدادی به کتابت در نمی آیند . بدین ترتیب ، رمز خواندن خط میخی فارسی باستان گشوده شد و نهایتا ، راه برای خواندن خطوط میخی دیگر و به تبع آن دستیابی به ادبیات غنی بین النهرین هموار گشت .

درباره تاریخچه رمزگشایی خط میخی فارسی باستان

R.G.Kent , old Persian , Grammer , Texts , Lexicon , New Haven , ۱۹۵۳ . pp ۱۰ , seq .

منبع اصلی کتاب ( مطلب بالا )

دکتر چنگیز مولایی ، راهنمای زبان فارسی باستان ( دستور زبان ، گزیده متون ، واژه نامه ) ، نشر مهر نامگ ، قیمت ۳۰۰۰

تومان